

## A study on the Existence of the phrase «أألسأ أولى بكم من أنفسكم» in the sermon of Ghadir Khumm in Sunni sources

### Research Article

Emamat pajouhi  
Eleventh year, vol .1  
spring & summer 2021  
DOI:10.22034 /  
jep.2021.239706.1202  
jep.emamat.ir



Jasim Mosapur<sup>1</sup> / Abdulhossein Khosropanah<sup>2</sup>

### Abstract:

The term «مولى» (which roughly translates to the custodian or the guardian) is the basis of Ghadir sermon, considered as the most significant rhetorical proof of Shias to validate the righteousness of Imam Ali as the successor of prophet and the sole Imam for the Muslims after the demise of prophet. Understanding this concept centers on some fundamental factors namely literary analysis, meaning analysis, discourse markers and textual elements. The intra-textual proofs have a significant role in understanding the concept of «مولى», but earlier researchers have hardly ever paid due attention to these factors. One of the indicators signifying the concept of «مولى» as the custodianship of Imam Ali is «أألسأ أولى بكم من أنفسكم».

This phrase is revealed upon the attendants in Ghadir speech prior to the usage of «من كنت مولاة فعلى مولاة». This precedence is taken as a proof that the term refers to custodianship and guardianship, henceforth giving weight to the righteousness of Imam Ali as the successor of the holy peophet. Some prejudiced contemporary authors have undermined the valued of this significant textual element, casting doubt on its importance. In the present study, this textual element assumes a double significance. The current study aims to investigate the status of precedence as a proof of legitimacy of the narrative, continuation of the first condition for the establishment of precedence, that is, the multiplicity of narrators at all levels. The views expressed by Sunni hadith scholars vis-à-vis the phrase «أألسأ أولى بكم من أنفسكم» have been considered in depth in this research. Proving the existance of eighteen companions in the first level of narration and dozens of others in other levels nullifies the possibility of any distortion or forgery in the authenticity of this narrative. Also, from the viewpoint of both Sunni and Shia scholars, it is submitted that while using this methodology, the need to examine the document and establish the authenticity of narrators is obliterated. Hence, the present study establishes that according to Sunni resources through the application of textual-precedence principle both Sunni and Shia Scholars reach a consensus on the authenticity of such a section within Ghadir speech.

**Key words:** Ghadir sermon, custodian, frequency of occurence, proof, precedence.

1. PhD in Shia Rhetorics from Usiversity of Amir Al-Mumenin, Ahvaz, Iran. Corresponding author. E-mail: h.musapur@gmail.com
2. Lecturer on philosophy. Wisdom & Religious Studies Research Department. Islamic culture and Ideology research institute. Tehran, Iran. E-mail: khosropanahdezfuli@gmail.com

# صدور عبارة «أست أولى بكم من أنفسكم» في خطبة الغدير، دراسة في مصادر أهل السنة

جاسم موسى بور<sup>١</sup> / عبد الحسين خسروپناه<sup>٢</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشی  
السنة الحادية عشرة  
العدد الأول، ربيع و  
صيف سنة ٢٠٢١

jep.emamat.ir



## الخلاصة

إن فهم مفردة «المولى» باعتبارها محوراً في خطبة الغدير وأقوى دليل روائي لدى الشيعة على إمامة علي عليه السلام يتوقف على معرفة الشواهد المختلفة والتمعن في سياق الخطبة، فضلاً عن التحليل الأدبي والتبادر اللفظي. وعلى الرغم من الدور المحوري للشواهد الموجودة في نص الخطبة في فهم معنى «المولى»، قلماً بُحثت تلك الشواهد بحثاً سندياً وافياً. ومن القرائن المهمة التي تكشف عن دلالة ومعنى «المولى»، عبارة «أست أولى بكم من أنفسكم»، وهي العبارة التي ذكرها النبي الكريم صلى الله عليه وآله قبل الإتيان بعبارته الشهيرة «من كنت مولاه فعلي مولاه»، حيث استفيد من هذه العبارة لإثبات معنى «الأولى بالتصرف» لمفردة «المولى» ومن ثم إمامة الإمام علي عليه السلام، وتتجلى أهمية هذا البحث أكثر فأكثر من خلال إصرار بعض الكتاب المتعصبين المعاصرين على إنكار هذه القرينة وإلقاء الشبهات في هذا المجال. من هنا، عمدنا في هذه الدراسة إلى توضيح دور إثبات التواتر في اليقين بصدور الرواية، واستمرار الشرط الأساسي لتحصيل التواتر أي تعدد الطرق في جميع الطبقات، ثم شرعنا ببحث دلالات عبارة «أست أولى بكم من أنفسكم» وفقاً لرؤية علماء الحديث من أهل السنة في طبقات الرواة، ولا ريب في أن إثبات وجود سبعة عشر صحابياً في الطبقة الأولى وعشرات الرواة في كل طبقة من الطبقات الأخرى لهذه الرواية يلغي احتمال التواطؤ بجميع أشكاله على وضع هذه العبارة، كما تبين أنه لا حاجة إلى الدراسة السندية وإثبات وثاقة كل راوٍ على حدة في هذا المنهج من وجهة نظر علماء الفريقين. وعلى هذا الأساس، أثبت صدور هذه العبارة لأول مرة طبقاً لمصادر أهل السنة عن طريق تطبيق ضابطة التواتر وبيان اعتراف الفريقين بصحتها.

الكلمات المفتاحية: خطبة الغدير، المولى، التواتر، الشاهد، الأولى.

١. حاصل على الدكتوراه في الكلام الشيعي من جامعة أمير المؤمنين عليه السلام في الأهواز (الباحث المسؤول).

h.musapur@gmail.com

٢. أستاذ في قسم الفلسفة، معهد الحكمة والدارسات الدينية في مركز أبحاث الثقافة والفكر الإسلامي في

طهران. khosropanahdezfuli@gmail.com

# بررسی صدور عبارت «أ لست أولى بكم من أنفسكم» در خطبه غدیر از منابع اهل سنت\*

جاسم موسی پور<sup>۱</sup>/ عبدالحسین خسروپناه<sup>۲</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی پژوهشی  
امامت پژوهی، سال نازدهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۲۹  
بهار و تابستان ۴۰۰  
صفحه ۲۶۷-۲۹۴

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.239706.1202



copyright © the authors

## چکیده

فهم واژه «مولى» به عنوان محور خطبه غدیر و برترین دلیل روایی شیعه بر امامت علی علیه السلام، علاوه بر تحلیل ادبی و تبادل لفظی، بردانستن شواهد مختلف و توجه به سیاق خطبه استوار است. با این که شواهد درون متنی خطبه در فهم معنای «مولى» نقشی محوری دارند، اما کمتر مورد بحث و کاوش سندی قرار گرفته اند. یکی از این قرائن مهم که دلالت واژه «مولى» را روشن می سازد، عبارت «أ لست أولى بكم من أنفسكم» است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بیان «من كنت مولاه فعلي مولاه» فرموده است. از این فقره، در اثبات معنای «اولی به تصرف» برای واژه «مولى» و در نتیجه، امامت حضرت علی علیه السلام استفاده شده است. تمرکز برخی نویسندگان متعصب معاصر بر انکار این قرینه و شبهه سازی در این زمینه، اهمیت این بحث را دوچندان می سازد. در این پژوهش، پس از بیان توضیحاتی راجع به جایگاه اثبات تواتر در یقین به صدور روایت، استمرار شرط اصلی تحصیل تواتر، یعنی تعدد طرق در همه طبقات، بر اساس دیدگاه علمای حدیث اهل سنت در طبقات راویان فراز

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸.

۱. دکتری کلام شیعه، دانشگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). h.musapur@gmail.com

۲. استاد، گروه فلسفه، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

khosropanahdezfuli@gmail.com

«ألست أولى بكم من أنفسكم» مورد بررسی قرار گرفته است. اثبات وجود هفده صحابی در طبقه اول و ده‌ها راوی دیگر در هر یک از دیگر طبقات این روایت، احتمال هرگونه تبانی بر جعل این عبارت را منتفی ساخته است. هم‌چنین روشن شد که از نظر دانشمندان فریقین، در این روش نیازی به بررسی سندی و اثبات وثاقت تک‌تک راویان نیست. بر این اساس، برای نخستین بار صدور این فراز بر اساس منابع اهل سنت از طریق تطبیق ضابطه تواتر و تبیین اعتراف فریقین به صحت آن، اثبات شده است.

**کلیدواژه‌ها:** خطبه غدیر، مولی، تواتر، شاهد، اولی.

## مقدمه

تبیین معنای واژه «مولی» در حدیث غدیر از نکات مهم و بسیار تأثیرگذار در بحث امامت به شمار می‌آید. اهل سنت مولی را به معنای «دوست»، «محب یا محبوب»، «ناصر» و امثال آنها تأویل کرده‌اند و ارتباط واقعۀ غدیر خم با امامت را از اساس انکار می‌کنند. در مقابل، شیعه معتقد است واژه «مولی» در این خطبه، به معنای «اولی به تصرف»، «والی»، «حاکم» و «سرپرست و امام امت» است.

اختلاف درباره مفهوم خطبه غدیر و دلالت آن بر امامت از آن جا شروع شد که اکثر راویان به طور سهوی یا چه بسا از روی عمد، فقط فقره «من کنت مولاه فعلی مولاه» را نقل کردند. از سویی دیگر، متکلمین مخالف شیعه، بدون توجه به متن کامل خطبه و شواهد لفظی و حالی تاریخی آن، از همه این خطبه مهم، تنها کلمه «مولی» را برگزیدند. از این رو بحث به یک مطلب صرفاً لغوی و ادبی تنزل پیدا کرد. در مقابل هم، تلاش اغلب دانشمندان شیعه برای پاسخ آنان، بر سر همین یک کلمه متمرکز شد؛ در حالی که فهم این واژه، علاوه بر تحلیل ادبی و توجه به نظر لغت‌شناسان، به دانستن شواهد مختلف در بستر سیاق خطبه وابسته است. در روش‌شناسی تحقیقات مربوط به دلالت حدیث غدیر، به‌ویژه کلمه «مولی»، روشی که پررنگ‌تر دیده می‌شود، توجه به تبادرو سباق این واژه کلیدی است و کمتر به سیاق توجه شده است.

بعضی از نویسندگان معاصر وهابی مسلک، علی‌رغم قبول سند حدیث غدیر، صدور شواهد درون‌متنی خطبه غدیر و دلالت آنها بر معنای مولی را زیر سؤال برده‌اند.<sup>۱</sup> یکی از قرائن مهمی که دلالت واژه مولی را روشن می‌سازد این است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش از بیان فقره اصلی خطبه غدیر، یعنی «من کنت مولاه فعلی مولاه»، در ابتدای کلام خود چنین فرموده است:

«ألست أولى بكم من أنفسكم؟» آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟  
از این عبارت و عبارات مشابه آن،<sup>۲</sup> برای اثبات معنای «اولی به تصرف» استفاده

۱. فیصل نور، الامامة والنص، ص ۳۸۶.

۲. «ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟»، «ألست أولى بكم من أنفسكم؟»، «ألست أولى بكم من آباءكم؟»، «ألستم تعلمون أنني أولى بالمؤمنين من أنفسكم؟»، «ألستم تعلمون أنني أولى بكل مؤمن من نفسه؟» و... .

شده است. اما شبهه‌کنندگان غدیرمانند قاضی عبدالجبار معتزلی،<sup>۱</sup> فخررازی،<sup>۲</sup> قاضی ایجی<sup>۳</sup> و تفتازانی،<sup>۴</sup> با درک اهمیت این موضوع و در جهت گسیختگی بافت متنی و سیاق خطبه غدیر، مقدمه حدیث، یعنی فراز «ألست أولى بکم...» را از اساس انکار کرده‌اند.

اطمینان از صدور فقره «ألست أولى بکم من أنفسکم»، به علت قرارگیری در مقدمه برهان اثبات امامت و ولایت حضرت علی عليه السلام، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چراکه با دقت در معنای لغوی «أولى» و اطلاق آن و اشاره این فراز به آیه قرآنی «الَّذِينَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» و قرارگیری قسمت اصلی خطبه غدیر، یعنی «فمن كنت مولاه فعلي مولاه» بلافاصله بعد از جمله «ألست أولى بکم من أنفسکم»، نیز وجود حرف «فاء» در جمله دوم که در بسیاری از روایات مرتبط آمده است، ثابت می‌شود که مراد از «مولی» در خطبه، همان «أولى» در مقدمه این خطبه، یعنی «أولى در تصرف» است. در نتیجه، دلالت فقره اصلی و مشهور خطبه غدیر بر اعلام ولایت

۱. معتزلی، عبدالجبار، المغنی، ۱۵۱/۲۰.

۲. فخررازی، محمد، نهاية العقول، ۴/۴۸۵: «ثم إن سلمنا صحة أصل الحديث، ولكن لا نسلم صحة تلك المقدمة وهي قوله عليه السلام: ألست أولى بکم من أنفسکم؟ بيانه أن الطرق التي ذكرتموها في تصحيح أصل الحديث لم يوجد شيء منها في هذه المقدمة، فان أكثر من روى أصل الحديث لم يرو تلك المقدمة، فلا يمكن دعوى إطباق الأمة على قبولها، لأن من خالف الشيعة إنما يروون أصل الحديث للإحتجاج به على فضيلة علي عليه السلام ولا يروون هذه المقدمة، وأيضاً فلم يقل أحد أن علياً عليه السلام ذكرها يوم الشورى، فثبت أنه لم يحصل في هذه المقدمة شيء من الطرق التي يثبتون أصل الحديث بها، فلا يمكن اثبات هذه المقدمة».

۳. جرجانی، علی بن محمد، شرح المواقف، ۸/۳۶۱: «وإن سلم أن هذا الحديث صحيح فرواته أي أكثرهم لم يرووا مقدمة الحديث وهي (ألست أولى بکم من أنفسکم) فلا يمكن أن يتمسك بها في أن المولى بمعنى الأولى».

۴. تفتازانی، مسعود، شرح المقاصد، ۲/۲۹۰: «و الجواب منع تواتر الخبر فإن ذلك من مكابرات الشيعة كيف وقد قرح في صحته كثير من أهل الحديث ولم ينقله المحققون منهم كالبخاري ومسلم والواقدي وأكثر من رواه لم يرو المقدمة التي جعلت دليلاً على أن المراد بالمولى الأولى»؛ متواتر بودن حدیث غدیر صحت ندارد و از دروغگویی های شیعه است؛ زیرا بیشتر محدثان در صحت آن تردید کرده و اهل تحقیق از آنان، مانند بخاری و مسلم و واقدی آن را نقل نکرده‌اند و بیشتر راویان هم بدون مقدمه آن، که آن را دلیل بر اراده اولی از مولی گرفته‌اند، نقل کرده‌اند.

حضرت علی علیه السلام از طریق سیاق خطبه و توجه به فراز صدر آن به عنوان قرینۀ متصله لفظیه روشن می شود و در نهایت، امامت ایشان ثابت می گردد.

براین اساس، در این نوشتار به صدور فراز مهم «ألست أولى بكم من أنفسكم» پیش از فقره «من كنت مولاه فعلي مولاه» در صدر خطبه غدیر پرداخته شده است که در فهم معنای واژه مولی و موضوع امامت، تأثیر بسزایی دارد.

### پیشینه

اهمیت تطبیق ضابطه تواتر بر قرائن متصله حدیث غدیر، کمتر از اثبات تواتر فراز اصلی نیست. در آثار گران قدری چون «عبارات الأنوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار» و حتی «نفحات الأزهار» فقط در سطور معدودی به این مهم پرداخته شده است و اسامی یا حتی تعداد صحابه و تابعین راوی فقره «ألست أولى بكم...»، با چنان دقتی که در این اثر اشاره خواهد شد، نیامده است.<sup>۱</sup>

با این که تصور می شود در کتاب شریف الغدیر علامه امینی حتماً به این قرینۀ مهم توجه لازم شده باشد، ولی بعد از بررسی روشن می شود که تکیه اصلی علامه در تبیین معنای مولی، بیشتر بر تبادر لفظی بوده و از این قرائن، اشاره وار عبور کرده است. هر چند هنگام ذکر راویان فقره اصلی، گاه به روایاتی اشاره شده که متضمن عبارت «ألست أولى بكم...» یا دیگر شواهد است، اما با توجه به محوریت فقره اصلی و تقطیع های صورت گرفته در متن خطبه، در نهایت برای یک پژوهشگر روشن نمی شود که چه تعداد از راویان عبارت «من كنت مولاه»، شواهد صدور ذیل خطبه را نیز آورده اند و آیا این شواهد، همانند فقره اصلی به حد تواتر و صدور یقینی رسیده اند یا خیر. کل مطالب دلالتی و سندی علامه در خصوص عبارت بسیار مهم «ألست أولى بكم...» از دو صفحه تجاوز نمی کند.<sup>۲</sup> ایشان در خصوص سند آن، صرفاً به طبقه مؤلفین، آن هم بدون آدرس اشاره می کنند؛ در حالی که در این مقاله، با عدد و رقم و آدرس دقیق از منابع اهل سنت، تعداد راویان از صحابه، تابعین و... به جهت اثبات ادعای تواتر آمده است.

۱. رک: کنتوری، میرحامد حسین، عباقات الأنوار، ۱۰/ ۱۸۶؛ میلانی، علی، نفحات الأزهار، ۹/ ۴۹.

۲. رک: امینی، عبدالحسین، الغدیر، ۱/ ۶۵۱.

از میان مقالات نگاشته شده در این باره، مقاله «سند خطبه طولانی غدیر در التحصین»، نوشته محمدعلی موحدی، با فرض عدم اعتبار خطبه غدیر از حیث معیارهای کمی، وثاقت راویان خطبه براساس سند آن در کتاب التحصین سید بن طاوس را مورد بررسی قرار داده است.

بنابراین هرچند تعداد اندکی از پژوهشگران شیعه پیرامون متن خطبه غدیر آثاری از خود به جای نهاده‌اند، اما در مورد اعتبار سندی فقرات کلیدی آن براساس معیارهای اهل سنت و منابع آنان، پژوهش دقیقی صورت نگرفته است.

در این مقاله، برای اولین بار به شکل طبقه به طبقه، با مشخصات و تعداد راویان، تواتر فراز «أ لست أولى بکم...» از منابع اهل سنت ثابت شده است و صرفاً به یک ادعا یا نام بردن طبقه مؤلفین، بسنده نشده است.

### صدور فراز «أ لست أولى بکم من أنفسکم» در خطبه غدیر

خبر متواتر و خبر واحد همراه با قرائن قطعیه، یقین به صدور حدیث از پیامبر ﷺ را به ارمغان می‌آورد؛ اما خبر واحد بدون شواهد قطعیه، مفید یقین به صدور روایت نیست. بنا بر نظر دانشمندان حدیث اهل سنت، ارکان اساسی اثبات تواتر یک خبر «تعدد راویان در هر طبقه بدون شرط یک عدد خاص»، «عدم امکان تبانی بر جعل»<sup>۱</sup> و «اخبار از روی حس»<sup>۲</sup> است. در این بحث، احراز استمرار این شروط در همه طبقات مفید یقین به صدور خواهد بود و به بررسی سندی و اثبات وثاقت راویان نیازی نیست.<sup>۳</sup> براین اساس، اکنون در راستای اثبات صدور فراز مذکور از نبی مکرم اسلام ﷺ، به اثبات تواتر آن می‌پردازیم.

### تواتر فراز «أ لست أولى بکم من أنفسکم»

این عبارت با سند متصل دست‌کم از هفده نفر در طبقه صحابه، ضمن خطبه

۱. خطیب بغدادی، احمد، الکفایة، ص ۱۶؛ البانی، محمد ناصرالدین، موسوعه، ۲/ ۲۸۱،

۳۷۱/۱؛ عتر، نورالدین محمد، منهج النقد، ۴۰۴/۱.

۲. رک: ابن حزم، علی بن احمد، الإحکام، ص ۱۰۷: «و ذکر کل واحد منهما مشاهدة». نیز

رک: عتر، نورالدین محمد، منهج النقد، ۴۰۴/۱: «... و کان مستندهم الحس...».

۳. کتانی، محمدجعفر، نظم المتناثر، ص ۱۵.



غدیر نقل شده است. این افراد عبارت اند از:

۱. علی امیرالمؤمنین علیه السلام

۲. زید بن ارقم<sup>۲</sup>

۳. ابوسعید خدری<sup>۳</sup>

۴. انس بن مالک<sup>۴</sup>

۵. سلمان فارسی<sup>۵</sup>

۶. ابن عباس<sup>۶</sup>

۷. براء بن عازب<sup>۷</sup>

۸. حذیفة بن اسید غفاری<sup>۸</sup>

۹. ابوهریره<sup>۹</sup>

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱۱۸/۱-۱۱۹، ۳۷۰/۴؛ ابویعلی، احمد، مسند، ۴۲۸/۱؛

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۴۲/۲۰.

۲. نسائی، احمد، السنن الکبری، ۱۳۴/۵؛ بزار، احمد، مسند، ۲۱۲/۱۰.

۳. بخاری، محمد، التاریخ الکبیر، ۱۹۳/۴؛ ابن عساکر، علی بن حسن، همان، ۲۲۸/۴۲؛

ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، ۳۹۲/۵-۳۹۳.

۴. آجری، محمد، الشریعة، ۲۰۵۲/۴.

۵. کوفی، محمد، مناقب، ۴۱۳/۲.

۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۳۴/۲.

۷. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، ۳۷۲/۶؛ بلاذری، احمد، أنساب الاشراف،

۲۸۱/۱؛ آجری، محمد، الشریعة، ۲۰۵۰/۴؛ ثعلبی، احمد، الكشف و البیان، ۹۲/۴؛

جرجانی، یحیی، ترتیب الأمالی الخمیسیة، ۱۹۰/۱؛ ذهبی، محمد، تاریخ الإسلام،

۶۳۲/۳؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیرة النبویة، ۴۱۷/۴؛ ابن حنبل، احمد بن

محمد، همان، ۲۸۱/۴؛ همو، فضائل الصحابة، ۵۹۶/۲، ح ۱۰۱۶؛ ابن ماجه، محمد بن

یزید، سنن، ۴۳/۱، ح ۱۱۶؛ عنبری، احمد، مجلسان، ۱۵/۱، ح ۱۴.

۸. طبرانی، سلیمان، معجم الکبیر، ۱۷۹/۳، ح ۳۰۵۱.

۹. ابن مغزالی، علی بن محمد، مناقب، ۴۶/۱، ح ۲۴؛ جرجانی، یحیی، ترتیب الأمالی الخمیسیة،

۵۶/۱، ۳۴۳، ۱۹۲، ۱۰۲/۲؛ ابن عساکر، علی بن حسن، همان، ۲۳۳/۲؛ ابن جوزی، عبدالرحمن

بن علی، العلل المتناهية، ۲۲۶/۱، ح ۳۵۶؛ سلفی، صدرالدین، أحادیث و حکایات، ۳۶/۱، ح

۲۸؛ خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ۲۸۹/۸.

۱۰. جابر بن عبدالله<sup>۱</sup>
۱۱. عمر بن خطاب<sup>۲</sup>
۱۲. سعد بن ابی وقاص<sup>۳</sup>
۱۳. بریده اسلمی<sup>۴</sup>
۱۴. سعید بن جبیر<sup>۵</sup>
۱۵. ابویوب انصاری<sup>۶</sup>
۱۶. ابوقدامه انصاری<sup>۷</sup>
۱۷. حبة بن جویین<sup>۸</sup>

بدون شک در سلسله اسناد این حدیث، طبقه نخست با توجه به تعداد و جایگاه صحابه حاضر در آن، از ضابطه تواتر برخوردار است. راویان این فقره در طبقات بعد از صحابه به شکل متصل تا عصر مؤلفین کتب، بسیارند؛ از باب نمونه، طرق منتهی به سه صحابه مهم، یعنی علی علیه السلام، زید بن ارقم و سعد بن ابی وقاص به تفصیل آورده می شود.

۱. آجری، محمد، همان، ۴/۲۰۴۷، ح ۱۵۱۹.
۲. ذهبی، محمد، رساله طرق حدیث من کنت مولاة فعلی مولاة، ۱/۱۶.
۳. شاشی، هیشم، مسند، ۱/۱۲۶؛ ابن عساکر، علی بن حسن، همان، ۴/۱۱۶.
۴. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، همان، ۶/۳۴، ح ۳۲۱۳۲؛ ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، الأحاد والمثنائی، ۴/۳۲۵، ح ۲۳۵۷؛ آجری، محمد، همان، ۴/۲۰۴۴، ح ۱۵۱۴؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۱۹، ح ۴۵۷۸؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۲/۵۸۴، ح ۹۸۹؛ همو، مسند، ۵/۳۴۷؛ خلعی، علی، الفوائد المنتقاة، ۲/۱۰۱، ح ۷۵۳؛ ابونعیم اصفهانی، احمد، معرفة الصحابة، ۱/۴۳۱، ح ۱۲۵۵؛ ذهبی، محمد، همان، ۱/۷۷، ح ۷۸؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السيرة النبوية، ۴/۴۱۶؛ همو، البداية والنهاية، ۵/۲۰۹؛ کوفی، محمد، مناقب، ۲/۴۲۵؛ نسائی، احمد، فضائل الصحابة، ص ۱۴؛ همو، خصائص امیر المؤمنین، ص ۹۹؛ همو، السنن الكبرى، ۵/۴۵.
۵. انصاری، اسماعیل، حدیث اسماعیل بن جعفر، ۱/۵۲۴.
۶. کوفی، محمد، مناقب، ۲/۳۹۳، ح ۸۶۹.
۷. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة، ۶/۲۴۶.
۸. همان، ۱/۶۶۹.

### ۱. طرق منتهی به علی بن ابی طالب علیه السلام

تنها از امیرالمؤمنین علیه السلام دستکم نه نفر تابعی در طبقات میانی، ده‌ها راوی و بیش از هجده نفر از مؤلفین ترازول اهل سنت، عبارت «أست أوهيكم...» را ضمن خطبه غدیر نقل کرده‌اند. طرق منتهی به صحابی جلیل‌القدر، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در جدول زیر ارائه می‌شود.

صحابی	تابعی	راویان طبقات بعد از تابعین	طبقه آخر (مؤلف)	ردیف
علی <small>علیه السلام</small>	عبدالرحمن بن ابی لیلی	... حدثنا عبد الله حدثني عبيد الله بن عمر القواريري ثنا يونس بن أرقم ثنا يزيد بن أبي زياد عن ...	احمد بن حنبل <sup>۱</sup> وابویعلی <sup>۲</sup> وابن عساکر <sup>۳</sup> وابن اثیر <sup>۴</sup>	۱
علی <small>علیه السلام</small>	عبدالرحمن بن ابی لیلی	أخبرنا علي بن القاسم بن الحسن البصري حدثنا علي بن إسحاق المادرائي حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الحنين حدثنا أبوغسان حدثنا جعفر بن زياد الأحمر عن يزيد بن أبي زياد وعن مسلم بن سالم قال: حدثنا ...	خطیب بغدادی <sup>۵</sup>	۲

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱/۱۱۹.
۲. ابویعلی، احمد، مسند، ۱/۴۲۸.
۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۴/۲۰.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، همان، ۴/۱۰۳.
۵. خطیب بغدادی، احمد، تالی تلخیص المشابه، ۱/۱۳۰.

۳	بزار	حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: نَا مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ الْأَخْمَرِيُّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ، وَعَنْ مُسْلِمِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ: نَا...	عبد الرحمن بن ابی لیلی	علی <small>علیه السلام</small>
۴	احمد بن حنبل <sup>۲</sup>	حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد و أبو نعيم الدمعي قال: ثنا فطر عن... أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَخْبَرَنَا أَبُو نَعِيمٍ وَ يَحْيَى بْنُ آدَمَ قَالَ: حَدَّثَنَا فِطْرُ بْنُ خَلِيفَةَ عَنْ...	ابوظفیل	علی <small>علیه السلام</small>
۵	ابن حبان <sup>۳</sup>	أخبرني هارون بن عبد الله قال: حدثنا مصعب بن المقدام قال: حدثنا فطر بن خليفة عن...	ابوظفیل	علی <small>علیه السلام</small>
۶	نسائی <sup>۴</sup> وطحاوی <sup>۵</sup>	و أخبرنا أبو داود قال: حدثنا محمد بن سليمان قال: حدثنا فطر عن...	ابوظفیل	علی <small>علیه السلام</small>
۷	نسائی <sup>۶</sup>	حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُوسَى الْقَطَّانُ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ حُفَمَانَ بْنِ كِرَامَةَ وَ اللَّفْظُ لِیُونُسَ، قَالَ: نَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ: نَا فِطْرُ عَنْ...	ابوظفیل	علی <small>علیه السلام</small>
۸	بزار <sup>۷</sup>		ابوظفیل	علی <small>علیه السلام</small>

۱. بزار، احمد، مسند، ۲/۲۳۵.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، همان، ۴/۳۷۵.
۳. ابن حبان، محمد، صحیح، ۱/۳۷۵؛ هيثمي، علی، موارد الظمان، ۱/۵۴۴.
۴. نسائی، احمد، سنن، ۵/۱۳۴؛ همو، خصائص أمير المؤمنين، ۱/۱۱۳.
۵. طحاوی، احمد، شرح مشکلی الآثار، ۵/۱۵.
۶. نسائی، احمد، سنن، ۵/۱۳۴؛ همو، خصائص أمير المؤمنين، ۱/۱۱۳.
۷. بزار، احمد، همان، ۲/۱۳۳.

علی <small>عليه السلام</small>	ابوطفیل	حدثنا أبو مسعود الرازي ثنا عبد الرحمن بن مصعب ثنا فطر عن...	ابوبکر شیبانی <sup>۱</sup> ذهبی <sup>۲</sup>	۹
علی <small>عليه السلام</small>	ابوطفیل از زید بن ارقم	حدثنا أحمد بن عمرو قال: حدثنا محمد بن الطفيل النخعي قال: حدثنا شريك عن الأعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن...	طبرانی <sup>۳</sup>	۱۰
علی <small>عليه السلام</small>	عمرو ذی مر	حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: نا حَبِيبُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنْ فِطْرَيْنِ خَلِيفَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ...	بزار <sup>۴</sup>	۱۱
علی <small>عليه السلام</small>	سعید بن وهب	حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: نا حَبِيبُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنْ فِطْرَيْنِ خَلِيفَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ...	بزار <sup>۵</sup>	۱۲
علی <small>عليه السلام</small>	سعید بن وهب	حَدَّثَنَا إبراهيم بن هانيء، قَالَ: حَدَّثَنَا علي بن حكيم، قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ...	بزار <sup>۶</sup> ومزی <sup>۷</sup> واحمد بن حنبل <sup>۸</sup>	۱۳

۱. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو السنه، ۲/ ۶۰۶.
۲. ذهبی، محمد، تاریخ الإسلام، ۳/ ۶۳۱.
۳. طبرانی، سلیمان، معجم الأوسط، ۲/ ۲۷۵.
۴. بزار، احمد، همان، ۳/ ۳۴.
۵. همان.
۶. همان، ۱۰/ ۲۱۲.
۷. مزی، یوسف، تهذیب الکمال، ۱/ ۹۹.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱/ ۱۱۸.

۱۴	احمد بن حنبل <sup>۱</sup> وضیاء الدین <sup>۲</sup> مقدسی <sup>۳</sup>	حدثنا عبد الله ثنا علي بن حكيم الأودي أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعن ... بين وهب وعن ...	علي بن يزيد بن يزيد بن شيبان	علي بن يزيد بن شيبان
۱۵	بزار <sup>۲</sup>	حَدَّثَنَا يَرْسُفُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ وَطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ ...	علي بن يزيد بن شيبان	علي بن يزيد بن شيبان
۱۶	مزی واحمد بن حنبل وبزار <sup>۲</sup>	حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَانِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَكِيمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ ...	علي بن يزيد بن شيبان	علي بن يزيد بن شيبان
۱۷	ابوبکر بن ابی عاصم شيبانی <sup>۵</sup> وابن حجر عسقلانی <sup>۶</sup>	حدثنا سليمان بن عبيد الله العيلائي ثنا أبو عامر ثنا كثير بن زيد عن محمد بن عمر بن علي عن ...	علي بن يزيد بن شيبان	علي بن يزيد بن شيبان

۱. همان.

۲. مقدسی، محمد، الأحادیث المختارة، ۲/ ۱۰۵، ح ۴۸۰.

۳. بزار، احمد، مستدرک، ۳/ ۳۴.

۴. بزار، احمد، مستدرک، ۱۰/ ۲۱۲، مزی، یوسف، تهذیب الکمال، ۱۱/ ۹۹.

ابن حنبل، احمد بن محمد، همان.

۵. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، همان، ۲/ ۵۵.

۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، المطالب العالیة، ۱۶/ ۱۲۲.

علی <small>عليه السلام</small>	عمر بن علی	حدثنا إبراهيم بن مرزوق حدثنا أبو عامر العقدي حدثني كثير بن زيد عن محمد بن عمر بن علي عن... <sup>١</sup>	دولابی <sup>١</sup> و طحاوی <sup>٢</sup>	١٨
علی <small>عليه السلام</small>	عمر بن علی	محمد بن منصور عن محمد بن راشد عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جده عن... <sup>٢</sup>	محمد بن سليمان كوفي <sup>٣</sup>	١٩
علی <small>عليه السلام</small>	زاذان	حدثنا أبو عمرو بن حمدان [قال]: حدثنا الحسن بن سفيان ثنا عمار بن خالد ثنا إسحاق الأزرق عن [محمد بن] عبد الملك قال: حدثني أبو عبد الرحمن الكندي عن... <sup>٤</sup>	ابونعيم اصفهانی <sup>٤</sup>	٢٥
علی <small>عليه السلام</small>	حسین بن علی <small>عليه السلام</small>	أخبرنا عبد الله بن جعفر - فيما قرئ عليه وأذن لي - قال: حدثنا أحمد بن يونس الضبي، حدثنا عمار بن نصر، حدثنا إبراهيم بن اليسع المكي، حدثنا جعفر بن محمد، عن محمد الباقر، عن... <sup>٥</sup>	ابونعيم اصفهانی <sup>٥</sup>	٢١
علی <small>عليه السلام</small>	اصبع بن نباته	قرئ على الشيخ أبي طاهر عبد الجبار.. أخبركم أبو غالب القزاز أخبرنا أبو الحسين بن القنور أخبرنا الحسين بن هارون الضبي حدثنا أبو عباس أحمد بن محمد بن سعيد الكوفي حدثنا محمد بن إسماعيل الراشدي حدثنا محمد بن خلف النميري حدثنا علي بن الحسن العبدي عن سعد عن... <sup>٦</sup>	ابن قدامه مقدسی <sup>٦</sup>	٢٢

١. دولابی، محمد، الذرية الطاهرة النبوية، ١٢١/١.
٢. طحاوی، احمد، شرح مشكل الآثار، ١٣/٥.
٣. كوفي، محمد، مناقب، ٣٩٨/٢.
٤. ابونعيم اصفهانی، احمد، معرفة الصحابة، ٣١٣/٦.
٥. همو، حلیة الأولیاء، ٦٤/٩.
٦. ابن قدامه مقدسی، عبد الله بن احمد، المتحابين في الله، ٧٣/١.

## ۲. طرق منتهی به صحابی، زید بن ارقم

هشت نفر از طبقه‌ی تابعین و ده‌ها راوی و مؤلف در دیگر طبقات، از زید بن ارقم به شرح جدول زیر عبارت «أست أولى...» را ضمن خطبه‌ی غدیر نقل کرده‌اند.

ردیف	طبقه‌ی آخر (مؤلف)	راویان طبقات بعد از تابعین	تابعی	صحابی
۱	احمد بن حنبل <sup>۱</sup>	حدیثنا عبد الله حدثني أبي ثنا ابن نمير ثنا عبد الملك يعني ابن أبي سليمان عن... حدثنا عبد الله بن عبد الله بن محمد وأبو نعيم المعنى قالاً: ثنا فطر عن...	عطيه عوفی	زید بن ارقم
۲	احمد بن حنبل <sup>۲</sup>	حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد وأبو نعيم المعنى قالاً: ثنا فطر عن... أخبرني هارون بن عبد الله قال: حدثنا مصعب بن المقدم قال حدثنا فطر بن خليفة عن...	ابوطفیل	زید بن ارقم
۳	نسائی <sup>۳</sup>	و أخبرنا أبو داود قال: حدثنا محمد بن سليمان قال: حدثنا فطر عن...	ابوطفیل	زید بن ارقم
۴	نسائی <sup>۴</sup>		ابوطفیل	زید بن ارقم

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مستدرک، ۴/ ۳۶۸؛ همو، فضائل الصحابة، ۲/ ۵۸۶.  
 ۲. همو، مستدرک، ۴/ ۳۷۵.  
 ۳. نسائی، احمد، السنن الكبرى، ۵/ ۱۳۴.  
 ۴. همان.





زید بن ارقم	ابوطفیل	حدثنا القاسم بن زكريا بن يحيى قال: حدثنا يونس بن موسى قال: حدثنا سعيد الله بن موسى قال: أخبرنا يحيى بن سلمة بن كهيل عن أبيه أنه دخل على أبو طفيل و معه جبيب بن أبي ثابت و مجاهد و ناس من أصحابه فقال: ...	دارقطنی <sup>۱</sup>	۹
زید بن ارقم	ابوطفیل	حدثناه أبو بكر بن إسحاق و دعلج بن أحمد السجزي قالاً: أنبأ محمد بن أيوب ثنا الأزرق بن علي ثنا حسان بن إبراهيم الكرماني ثنا محمد بن سلمة بن كهيل عن أبيه عن... عن...	حاکم نیشابوری <sup>۲</sup>	۱۵
زید بن ارقم	میمون ابی عبدالله	حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا سفیان ثنا أبو عروبة عن المغيرة عن أبي عبيد عن... أخبرنا قتيبة بن سعيد قال: أخبرنا بن أبي عدي عن عوف عن... حدثنا محمد بن بشار، قال: حدثنا محمد بن جعفر -يعني غندر- قال: حدثنا شعبة، عن...	عفان بن مسلم <sup>۳</sup>	۱۱
زید بن ارقم	میمون ابی عبدالله	حدثنا محمد بن جعفر -يعني غندر- قال: حدثنا شعبة، عن...	دولابی <sup>۴</sup>	۱۲
زید بن ارقم	میمون ابی عبدالله	حدثنا محمد بن جعفر -يعني غندر- قال: حدثنا شعبة، عن...	آجری <sup>۵</sup>	۱۳

۱. همان، ۵۵/۱، ح ۱۵۵ و ۱۵۲.
۲. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۱۱۸/۳، ح ۴۵۷۷.
۳. باهلی، عفان، احادیث عفان بن مسلم، ص ۳۹، ح ۳۷۲؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۵۹۷/۲، طبرانی، سلیمان، همان، ۱۵۲۰.
۴. دولابی، محمد، الکنی و الأسماء، ۸۳۶/۲، ح ۱۴۵۹؛ نسائی، احمد، سنن، ۱۳۱/۵؛ همو، خصائص أمير المؤمنين، ص ۱۰۵؛ خطیب بغدادی، احمد، الفصل للوصل، ۵۶۶/۱.
۵. آجری، محمد، الشریعة، ۲۰۴۷/۴، ح ۲۰۲۰.

زید بن ارقم	ابی لیلی حضر می	حدیثنا أبو مسعود ثنا عاصم بن مهجع ثنا یونس بن أرقم عن الأعمش عن ...	طبرانی و ابوبکر بن ابی عاصم شیبانی <sup>۱</sup>
زید بن ارقم	تئیر بن ابی فاخته	حدیثنا الحسن بن علی العمري ثنا علي بن إبراهيم الباهلي ثنا أبو الجواب ثنا سليمان بن قرقم عن هارون بن سعد عن ...	طبرانی <sup>۲</sup>
زید بن ارقم	یحیی بن جمده	أخبرني محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال: سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر عن ...	حاكم نیشابوری <sup>۳</sup>
زید بن ارقم	ابی عبدالله غنی	أخبرنا أبو العباس أحمد بن الحسين بن جعفر العطار، قال: أخبرنا أبو محمد الحسن بن رشيق العسكري، قال: حدثنا أبو الحسن سفیان بن بشر الأُسدي الكوفي، قال: حدثنا علي بن هاشم بن البريد، عن كثير النواء، عن ...	خلعی شافعی <sup>۴</sup>
زید بن ارقم	عبدالله بن باقل	و یسانده قال و حدثنا سليمان بن قرة عن محمد بن السائب، قال حدثني ...	جرجانی <sup>۵</sup>

۱. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، السنة، ۲/ ۶۰۶؛ طبرانی، سليمان، معجم
۲. الكبير، ۵/ ۱۹۵/۵، ح ۵۰۶۸.
۳. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳/ ۳۱۳، ح ۶۲۷۲.
۴. خلعی، علی، الفوائد المنتقاة، ۱/ ۴۸۵، ح ۶۱۰.
۵. جرجانی، یحیی، تزیین الأمالی الخمیسیة، ۱/ ۱۹۱.

زید بن ارقم	آنسیه بنت زید بن ارقم	حدیثا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا يونسف بن موسى القطان ثنا سلمة بن الفضل عن محمد بن إسحاق عن حبيب بن زيد بن خالد الأنصاري عن...	طبرانی <sup>۱</sup>	۱۹
-------------	-----------------------	--	---------------------	----

### ۳. طرق منتهی به صحابی، سعد بن ابی وقاص

چهار نفر از طبقه تابعین و هفت نفر از محدثین و مؤلفین اهل سنت و چندین راوی در دیگرطبقات، این عبارات را از سعد بن ابی وقاص ضمن خطبه غدیر نقل کرده‌اند.

صحابی	تابعی	راویان طبقات بعد از تابعین	طبقه آخر (مؤلف)	۱۰۹
سعد بن ابی وقاص	حارث بن مالک	حدیثا أحمد بن شداد الترمذی نا علی بن قادم أنا إسرائيل عن عبد الله بن شريك ... عن	شاشی <sup>۱</sup> و ابن عساکر <sup>۲</sup>	۱
سعد بن ابی وقاص	حارث بن ثعلبه	محمد بن منصور عن إسماعيل بن موسى عن زافر بن سليمان عن إسرائيل عن عبد الله بن شريك عن...	محمد بن سلیمان کوفی <sup>۴</sup>	۲

۱. طبرانی، سلیمان، همان، ۲۱۲/۵، ح ۵۱۲۸.
۲. شاشی، هیشم، مسند، ۱۲۶/۱، ح ۶۳.
۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۱۱۶/۴۲.
۴. کوفی، محمد، مناقب، ۲/۱۶/۲، ح ۸۹۸.

سعد بن ابی وقاص	خیثمة بن عبدالرحمن	فحدثنا أبو زكريا يحيى بن محمد العنبري ثنا إبراهيم بن أبي طالب ثنا علي بن المنذر ثنا بن فضيل ثنا مسلم الملائمي عن ...	حاکم نیشابوری <sup>۱</sup>	۳
سعد بن ابی وقاص	عائشه ابنة سعد	قال: أخبرنا أحمد بن عثمان البصري أبو الجوزاء قال: حدثنا محمد بن خالد بن عثمة قال: حدثنا موسى بن يعقوب عن المهاجرين مسمار عن ...	طحاوی <sup>۲</sup> ونسائی <sup>۳</sup>	۴
سعد بن ابی وقاص	عائشه ابنة سعد	كَذَّبْنَا هَلَالَ بْنَ بَشِيرٍ، قَالَ: نَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ عَثْمَةَ، قَالَ: نَا مُوسَى بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: نَا مَهْجَرُ بْنُ مِسْمَارٍ	بزار <sup>۴</sup>	۵

۱. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۶/۳، ح ۴۶۰۱.
۲. طحاوی، احمد، شرح مشکل الآثار، ۲۱/۵.
۳. نسائی، احمد، السنن الکبری، ۱۳۴/۵، ح ۸۴۸۰.
۴. بزار، احمد، مسند، ۴۱/۴، ح ۱۲۰۳.

منابع مختلف طرق متصل منتهی به دیگر صحابه در پاورقی های ذیل اسامی آنها، آمده است.

نکته مهم این که، حتی اگر فرض شود که همه این اسناد ضعیف باشند، باز هم خدشه ای به صحت این روایت وارد نمی شود؛ زیرا بر مبنای قاعده علم رجال اهل سنت، یعنی «کثرة الطرق»، اگر تعداد اسناد روایتی از سه عدد گذشت، هر چند همه آنها ضعیف باشند، یکدیگر را تقویت می کنند و حدیث حجت می شود. عینی در عمدة القاری به نقل از نووی می نویسد:

اگر روایتی با سندهای مختلف نقل شود، ولی بعضی از روایات آن ضعیف باشند، باز هم به آن احتجاج می شود.<sup>۱</sup>

هم چنین ابن تیمیه حُرّانی می نویسد:

کثرت راه های نقل حدیث، بعضی بعض دیگر را تقویت می کند که خود، زمینه علم به آن را فراهم می کند؛ اگرچه روایان آن فاسق و فاجر باشند.<sup>۲</sup> محمد ناصرالدین البانی نیز در إرواء الغلیل بعد از نقل طرق یک روایت بیان می دارد:

خلاصه آن که، تمام سندهای این حدیث، بدون ضعف نیست؛ اگرچه ضعف مهمی نیست؛ زیرا کسی که متهم به دروغ باشد، در طرق حدیث وجود ندارد و علت ضعف، یا ارسال آن است یا کم حافظه بودن راوی. از مسائل ثابت شده در علم رجال این است که سندهای متعدد در صورتی که در سلسله سند فرد متهمی نباشد، یکدیگر را تقویت می کنند.<sup>۳</sup>

۱. عینی، محمود، عمدة القاری، ۳/ ۳۰۷: «و قال النووي في (شرح المذهب): إن الحديث إذا روي من طرق ومفرداتها ضعاف يحتج به، على أن نقول: قد شهد لمذهبا عدة أحاديث من الصحابة بطرق مختلفة كثيرة يقوي بعضها بعضاً، وإن كان كل واحد ضعيفاً».

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ۱۸/ ۲۶: «تعدد الطرق و کثرتها يقوي بعضها بعضاً حتى قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجراً فساقاً فكيف إذا كانوا علماء عدولاً ولكن كثرت في حديثهم الغلط».

۳. البانی، محمد ناصرالدین، إرواء الغلیل، ۱/ ۱۶۰: «وجملة القول: أن الحديث طرقه كلها لا تخلو من ضعف ولكنه ضعف يسير إذ ليس في شيء منها من اتهم بكذب وإنما العلة

نتیجه این که، حتی اگر تمامی این اسناد ضعیف باشند، باز روایت مذکور حجت و قابل استدلال است.

### صحت فراز «أ لست أولى بكم من أنفسكم» از دیدگاه علمای اهل سنت

برخی از دانشمندان حدیث اهل سنت به صحت صدور این عبارت اذعان کرده اند که به نظرات آنان اشاره خواهد شد. بدیهی است بعد از اثبات تواتر، مطلب ذیل دلیلی مستقل به شمار نخواهد آمد؛ بلکه شاهد و تأکیدی خواهد بود بر آنچه گذشت.

۱. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق) بیان می دارد که سند این حدیث صحیح است؛ اگرچه بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه»<sup>۱</sup>.

۲. ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق) معتقد است که این روایت معتبر و خوب است و راویان آن مورد اعتمادند: «إسناد جید رجاله ثقات»<sup>۲</sup>.

۳. نورالدین هیثمی (متوفای ۸۰۴ ق) راویان این حدیث را ثقه و مورد اعتماد دانسته است: «ورجاله ثقات»<sup>۳</sup>.

۴. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق) نیز سند این روایت صحیح خوانده است: «هذا إسناد صحیح»<sup>۴</sup>.

۵. محمد ناصرالدین البانی (متوفای ۱۳۳۲ ق) بعد از نقل این روایت نوشته است: «این روایت را احمد، ابن حبان در صحیحش، ابن ابی عاصم، طبرانی و مقدسی در المختارة نقل کرده اند». سپس آورده است: «این روایت طبق شرایطی که بخاری برای صحت حدیث قائل است، صحیح می باشد»<sup>۵</sup>.

---

الإرسال أو سوء الحفظ ومن المقرر في "علم المصطلح" أن الطرق يقوي بعضها بعضاً إذا لم يكن فيها متهم».

۱. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳/ ۶۱۳، ح ۶۲۷۲.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ۵/ ۲۳۱.

۳. هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ۹/ ۱۰۷، ۱۰۵.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، المطالب العالیة، ۱۶/ ۱۴۲.

۵. البانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الأحادیث الصحیحة، ۴/ ۲۴۹.

## نتیجه‌گیری

وجود بیش از هفده صحابی در طبقه اول و حداقل ۳۲ تابعی در طبقه دوم و ده‌ها راوی در دیگر طبقات نقل عبارت «أ لست أولى بكم من أنفسكم»، به ضمیمه شواهدی همچون نقل آن در منابع متعدد فریقین، از جمله در بیش از ۳۵ منبع ترازا اول اهل سنت به شکل متصل - که پیش از این در متن و پاورقی‌ها تفصیلاً نشان گذشت - ، نیز تأکید علمای اهل سنت بر صحت آن، احتمال هرگونه تبانی بر جعل این عبارت را منتفی ساخته و تواترش را ثابت کرده که موجب یقین به صدور این فقره از خطبه غدیر است. تمامی اسناد مذکور در این نوشتار، صرفاً بر اساس منابع اهل سنت است و بررسی فراوانی این عبارت در منابع شیعی، مجالی وسیع‌تر می‌طلبد.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

قرآن کریم.

- آجری، محمد بن حسین، الشریعة، چاپ دوم: دار الوطن، ریاض، ۱۴۲۰ق.
- الوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چاپ اول: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی شیبہ، عبد الله بن محمد، الکتب المصنّف فی الأحادیث والآثار، چاپ اول: مکتبة الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ق.
- ابن ابی عاصم شیبانی، احمد بن عمرو، الأحاد و المثانی، دار الراهة، ریاض، ۱۴۱۱ق.
- ابن ابی عاصم شیبانی، احمد بن عمرو، السنة، المکتب الإسلامی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ابن بطریق حلّی، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، اسلامی، قم.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة، چاپ اول: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ق.



ابن حبان، محمد بن حبان، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، چاپ دوم: مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٤ق.

ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة على أهل الرفض و الضلال والزندقة، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي-كامل محمد الخراط، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٧ق.

ابن حزم اندلسي، على بن احمد، الإحكام في أصول الأحكام، تحقيق: احمد محمد شاكر، دار آفاق، بيروت.

ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد، المسند، مؤسسة قرطبة، مصر.

ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٣ق.  
ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل أبي طالب، المطبعة الحيدرية، نجف، ١٣٧٦ق.

ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحرير والتنوير، الدار التونسية، تونس، ١٩٨٤م.

ابن عساکر، على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، دار الفكر، بيروت، ١٤١٧ق.

ابن عطيه، مقاتل، أبهى المراد في شرح مؤتمر علماء بغداد، مؤسسة الأعلمي، بيروت، ١٤٢٣ق.

ابن قدامه مقدسي، عبد الله بن احمد، المتحابين في الله، چاپ اول: دار الطباع، دمشق، ١٤١١ق.

ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، الرسالة التبوكية-زاد المهاجر الى ربه، مكتبة المدني، جدّه.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، دار الفكر، بيروت، ١٩٨٦م.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، السيرة النبوية، دار المعرفة، بيروت.

ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء و دار الفكر، بيروت.

ابن مغازلى، على بن محمد، مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، دار الآثار، صنعاء، ١٤٢٤ق.

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الصادر، بيروت.

ابن منظور، محمد بن مكرم، مختصر تاريخ دمشق، تحقيق: روحية النحاس-رياض عبد الحميد مراد-محمد مطيع، دار الفكر، دمشق، ١٤٠٢ق.

ابوحيان اندلسي، محمد بن يوسف، تفسير البحر المحيط، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٢ق.

ابوالصلاح حلبى، تقى بن نجم، تقريب المعارف، چاپخانه الهادي، ١٤١٧ق.

ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، السعادة، مصر، ١٩٧٤م.

ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابة، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، دار الوطن، رياض، ١٤١٩ق.

ابويعلی، احمد بن علی، المسند، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث، دمشق، ١٤٥٤ق.

الباني، محمد ناصرالدين، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، چاپ دوم: المكتبة الإسلامية، بيروت، ١٤٥٥ق.

الباني، محمد ناصرالدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة، مكتبة المعارف، رياض.

الباني، محمد ناصرالدين، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدين الألباني، چاپ اول: مركز النعمان، صنعاء، ١٤٣١ق.

امينى نجفى، عبدالحسين، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، چاپ چهارم: دار الكتاب العربي، بيروت، ١٣٩٧ق.

انصارى، اسماعيل بن جعفر، حديث إسماعيل بن جعفر، مكتبة الرشد، رياض، ١٤١٨ق.

باهلى، عفان بن مسلم، أحاديث عفان بن مسلم، دار الحديث، قاهره، ٢٥٥٤م.

بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، دار الفكر، بيروت.

بدخشانى، محمد بن معتمد، نزل الأبرار بما صح من مناقب أهل البيت الأطهار، مكتبة إمام امير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، ١٤٥٣ق.

بزار، احمد بن عمرو، المسند- البحر الزخار، مكتبة العلوم والحكم، مدينه، ٢٥٥٩م.

بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن- تفسير البغوي، دار المعرفة، بيروت.

بلاذرى، احمد بن يحيى، جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار- رياض الزركلي، دار الفكر، بيروت، ١٤١٧ق.

تستري، سهل بن عبدالله، تفسير التستري، چاپ اول: منشورات محمد علي بيضون / دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٣ق.

تفتازانى، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، الشريف الرضي.

تهانوى، محمد علي بن علي، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، مكتبة لبنان ناشرون، بيروت، ١٩٩٦م.

ثعلبي، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، چاپ اول: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤٢٢ق.

- جرجانی، علی بن محمد، شرح المواقف، الشريف الرضي، قم.
- جرجانی، يحيى (مرشد بالله) بن حسين (موفق) بن اسماعيل بن زيد، ترتيب الأمالي الخميسية للشجري، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٢ق.
- حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١١ق.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی، الفصل للوصل المدرج في النقل، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٤ق.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی، الكفاية في علم الدراية، تحقيق: أبو عبد الله السورقي- إبراهيم حمدي المدني، المكتبة العلمية، مدينه.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی، تاريخ بغداد، دار الكتب العلمية، بيروت.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی، تالي تلخيص المتشابه، چاپ اول: دار الصمعي، رياض، ١٤١٧ق.
- دارقطنی، علی بن عمر، من حديث أبي الطاهر محمد بن أحمد بن عبد الله الذهلي، چاپ اول: دار الخلفاء، كويت، ١٤٠٦ق.
- دولابی، محمد بن احمد، الذرية الطاهرة النبوية، چاپ اول: الدار السلفية، كويت، ١٤٠٧ق.
- دولابی، محمد بن احمد، الكنى والأسماء، دار ابن حزم، بيروت، ١٤٢١ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٧ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، رسالة طرق حديث من كنت مولاه فعلي مولاه، تحقيق: عبد العزيز طباطبائي.
- رازی اصفهانی، محمدتقی، هداية المسترشدين في شرح معالم الدين، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
- زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- سبط ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلي، تذكرة الخواص من الأمة في ذكر خصائص الأئمة، چاپ دوم: مجمع جهانی اهل بيت عليه السلام، قم، ١٤٣٣ق.
- سجادی، سيد جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم: دانشگاه تهران، تهران، ١٣٧٣ش.
- سيد مرتضى، علی بن حسين، الشافي في الإمامة، مؤسسة الصادق، تهران، ١٤١٠ق.
- سيوطی، عبدالرحمن بن ابی بكر، الدر المنثور، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٣م.

سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، جامع الأحاديث، تحقيق شده تحت اشراف: علي جمعة .

شاشي، هيثم بن كليب، المسند، مكتبة العلوم والحكم، مدينه، ١٤١٥ق .

طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، دار الحرمين، قاهره، ١٤١١ق .

طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الصغير، تحقيق: محمد شكور محمود الحاج أمير، چاپ اول: المكتب الإسلامي، بيروت، ١٤٥٥ق .

طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، مكتبة الزهراء، موصل، ١٤٥٤ق .

طبري، محمد بن جرير بن يزيد، جامع البيان عن تأويل القرآن، دار الهجر، قاهره، ١٤٢٢ق .

طحاوي، احمد بن محمد، شرح مشكل الآثار، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٥٨ق .

طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، چاپ سوم: مكتبة المرتضوية، تهران، ١٣٧٥ق .

عبدالتواب، رمضان، فصول في فقه العربية، مكتبة الخانجي، قاهره، ١٤٢٥ق .

عتر حلي، نورالدين محمد، منهج النقد في علوم الحديث، چاپ سوم: دار الفكر، دمشق، ١٤١٨ق .

عسقلاني، احمد بن علي، المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، دار العاصمة- دار الغيث، عربستان، ١٤١٩ق .

فخررازي، محمد بن عمر، المحصول في علم أصول الفقه، چاپ دوم: تحقيق: طه جابر فياض العلواني، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٢ق .

فخررازي، محمد بن عمر، نهاية العقول في دراية الأصول، تحقيق: سعيد عبد اللطيف فودة، دار الذخائر، بيروت .

فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق: مهدي مخزومي، چاپ دوم: دار الهجرة، قم، ١٤٥٩ق .

فيصل نور، الامامة و النص، دار الصديق، عربستان .

فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، مؤسسة دار الهجرة، قم، ١٤١٤ق .

قاري، علي بن سلطان محمد، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، تحقيق: جمال عيتاني، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٢ق .

قرشي شافعي، محمد بن طلحه، مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، تحقيق: ماجد بن أحمد العطية .

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة، مؤسسة اعلمي، بیروت، ۱۴۱۸ق.  
کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، چاپ دوم: مكتبة المصطفوي، قم، ۱۳۶۹ق.  
کتانی، محمدجعفر، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، چاپ دوم: دار الكتب السلفية، مصر.

کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام للكوفي، مجمع إحياء الثقافة.

متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۹ق.

مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال، تحقیق: بشار عواد معروف، چاپ اول: مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۰ق.

معتزلی اسدآبادی، عبدالجبار، المغنی في أبواب التوحيد و العدل، تحقیق: قاسم محمود محمد.

مفید، محمد بن محمد، أقسام المولى في اللسان، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، قم، ۱۴۱۳ق.

نسائی، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقیق: عبد الغفار سليمان البنداري - سيد كسروي حسن، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۱ق.

نسائی، احمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، تحقیق: أحمد ميرين البلوشي، چاپ اول: مكتبة المعلا، كويت، ۱۴۰۶ق.

نسائی، احمد بن شعيب، فضائل الصحابة، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۵ق.  
نعمانی، عمر بن علی، اللباب في علوم الكتاب، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۹ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحيح، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بیروت.

هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الريان للتراث - دار الكتاب العربي، قاهره - بیروت، ۱۴۰۷ق.

### منابع الکترونیک

خلعی، علی بن حسن، الفوائد المنتقاة الحسان الصحاح والغرائب - الخلیعات، مخطوط، المكتبة الشاملة، نسخه شماره ۳,۶۴.

سلفی، صدرالدین، احادیث و حکایات للسلفی، مخطوط، نرم افزار جوامع الكلم، نسخه شماره ۴,۵.

عنبري، احمد بن محمد، مجلسان لأبي بكر العنبري، مخطوط، نرم افزار جوامع الكلم،  
نسخه شماره ٤,٥.

قطان، ابراهيم، تيسير التفسير، نرم افزار المكتبة الشاملة، نسخه شماره ٣,٦٤٤.

jep.emamat.ir

٢٩٤